**باسمه تعالی**

**به داشته­هات فکر کن!**

**چکیده**: در ابتدا اهمیت توجه به دارایی­های هر فرد می­شود. سپس اینکه خداوند برای رشد این دارایی­ها به ما راه­هایی را نشان داده است و در بخش انتهایی در رابطه با نعمت ویژه الهی صحبت خواهد شد که نه تنها یک پشتوانه و دارایی استثنائی به حساب می­آید، بلکه موجب افزایش دارایی­های مادی و معنوی ما نیز می­شود.

* سلام، خوش­آمد­گویی، تبریک­عید و معرفی­خود

(مجری از یک زوج و یا دو دوست خواهش می­کند که او را همراهی کنند)

* من از شما دو عزیز میخوام که من رو در این بخش از گفت و گو همراهی کنید:

از نفر اول می­خواهیم تا در حد 15 ثانیه خود را معرفی کند و از ویژگی­ها و توانمندی­های خود بگوید. سپس از نفر دوم می­خواهیم تا با استفاده از تبلت و یا موبایلی که در اختیار دارد، از روی فایل پاورپوینت (که بر روی سایت موجود است)، صفات و ویژگی­های دوست و یا همسر خود (نفر اول) را نشان دهد. [[1]](#footnote-1)

* همانطور که دیدیم خیلی از اوقات ما نسبت به داشته­های معنویمون مثل همین صفات، ویژگی­ها، توانمندی­ها و... خودمون غافل هستیم و البته دارایی­های مادی ما هم از این قضیه مستثنا نیستند. کسی از شما دوستان می­تواند بدون انگشت شست خود، یک دکمه پیراهن خود را باز و دوباره ببند؟! (این بازی برای نشان دادن غفلت ما از نعمت مهمی مثل انگشت شست که یک دارایی مادی است طراحی شده است). به طور کلی بعضی از اوقات ما نسبت به دارایی­هامون، چه مادی و چه معنوی، اون طور که باید توجه نداریم و این موضوع در دارایی­های معنوی پررنگتر هست. حتی در مواردی دوستان و یا همسر ما نسبت به خود ما آگاهی بیشتری به این ویژگی­ها دارند (که شاهد مثال این قضیه گفت و گوی ابتدایی است). مثلاً برای خودِ من پیش اومد که در یک مصاحبه شغلی، بعد از اینکه از من پرسیده شد که چه مهارت­ها و توانمندی­هایی دارم، فقط تونستم به دو یا سه مورد اشاره کنم اما مصاحبه کننده که من رو می­شناخت شروع کرد به بیان ویژگی­ها و مهارت­هایی که دارم. برای خودم هم خیلی جالب بود که حداقل در اون لحظه این موارد به ذهنم نرسیده بود. (حتی المقدور خاطره­ای شخصی از غفلت دارایی های خودمون بیان بشه)
* این اتفاق در مواقعی که شما باید خودتون رو توصیف کنید به احتمال زیاد رخ خواهد داد. مثل مصاحبه شغلی، خواستگاری، مصاحبه برای مهاجرت (که این روزها هم بسیار داغ شده!) و...
* عدم آگاهی مناسب درمورد خودمون میتونه یک نقطه ضعف پررنگ باشه. در خیلی از کلاس­های موفقیت هم روی این نکته بسیار تاکید دارند که افراد باید سلائق و ویژگی­های خودشون رو کامل بشناسند تا بتونن گام­های موفقیت رو طی کنند.
* در دنیای امروز خودشناسی قدمی بزرگ برای پیشرفت در زمینه­های مختلف شغلی، خانوادگی، روابط اجتماعی و... است. برای مثال شخصی که شناخت درستی از خود ندارد، شغلی را انتخاب می‌کند که از آن لذت نمی‌برد و یا حتی پیشرفتی در آن ندارد و یا مثلاً با کسی ازدواج می‌کند که مناسب یکدیگر نیستند و شاید به همین علت باشد که آمار طلاق روز به روز افزایش پیدا می‌کند.
* از طرف دیگه شما به واسطه تقویت این ویژگی­ها می­توانید به دارایی­های مادی خودتون هم اضافه کنید. یعنی مثلاً اگر شما آدمی با ارتباطات قوی باشید، به راحتی می­توانید در مهمانی­ها و یا دورهمی­های دوستانه شبکه سازی کنید و این امر باعث افزایش نفوذ شما خواهد شد. (به طور عامیانه شما لینک پیدا می­کنید و مشکلاتتان را در بزنگاه­ها به این واسطه حل می­کنید)
* کلاً میشه اینطوری گفت که ماها از توانمندی­ها و مهارت­هایی که داریم پول درمیاریم!

به طور کلی تا این بخش درمورد اهمیت خودشناسی و دارایی­هایی معنوی که همان مهارت­ها، توانمندی­ها، ویژگی­ها و... است صحبت کردیم و در ادامه می­خواهیم درمورد ارتباط این دارایی­ها با خداوند صحبت کنیم.

از سوال زیر می­توانید به عنوان یخ­شکن استفاده کنید![[2]](#footnote-2) هدف از این سوال یادآوری این مطلب است که ما به خالق اعتماد داریم.

* برای ادامه بحث یک سوال دیگه از شما عزیزان دارم. کدام یک از شما دوستان مجرد هست و دلیل این مجرد بودنش مسائل اقتصادی است؟
* تصور کنید من به شما 20 میلیون تومان وام بلاعوض بدم، حاضری ازدواج کنی؟ (درصورتی که قبول نکرد مبلغ وام را بالا ببرید. بعد از قبول می­گویید:)
* شما من را نیم ساعت نیست که می­شناسید و به من اعتماد کردید که به خاطر پولی که من به شما می­دهم، حاضرید ازدواج کنید.
* خب من کسی رو می­شناسم که بارها به ما گفته که من بهت وام میدم و ما حسابی روش باز نکردیم، بله! اون هم خداست! همین خدای خوبمون که همیشه حواسش بهمون هست!
* امام صادق علیه السلام فرموده­اند: هر کس از ترس فقر و بی­پولی ازدواج نکند نسبت به لطف خداوند بدگمان شده است. چرا که خداوند می­فرماید: اگر آنان فقیر هم باشند خداوند از فضل و کرم خود بی­نیازشان می­کند.
* ماها بعضی وقت­ها چیزهای مهمی رو فراموش می­کنیم!
* خدا قسم خورده که وقتی یه قولی رو میده پای حرفش میمونه!
* جالبه بدونید که خداوند برای ویژگی­ها و صفات مثبت ما اهمیت زیادی قائل شده و وعده داده که اگر ما این ویژگی­ها رو اگر داریم تقویت، و اگر نداریم ایجاد کنیم، دارایی­های مادی و معنوی ما رو چندین برابر میکنه. مثلاً:
* خداوند در کتاب آسمانی ما قرآن وعده داده که اگر قدردان نعمت ها باشیم، نعمت­های ما رو بیشتر و بیشتر میکنه:  لَئِنْ شَکرْتُمْ لَاَزیدَنَّکمْ[[3]](#footnote-3) و یا به قول معروف: شکر نعمت نعمتت افزون کند.
* و یا اینکه خداوند اخلاق خوب رو کلید گنج­های روزی به ما معرفی کرده.[[4]](#footnote-4) کلاً حسن خلق آورده­های خیلی زیادی داره که به خاطر کمبود وقت به یکی­اش فقط اشاره کردیم. اتفاقی که این روزها به خاطر شرایط خاصی که توش هستیم کمتر از مردم می­بینیم. واقعاً کسی که خوش اخلاقِ نعمت خیلی بزرگی داره که شاید خودش ندونه دقیقاً چه چیز با ارزشی رو داره!
* و یا اینکه رحم کن، تا به تو رحم شود: اِرحم، تُرحم[[5]](#footnote-5)
* و...
* بی­شمار از این قواعد ساده به ما معرفی شده­اند اما خیلی وقت­ها به خاطر عدم آگاهی از اون­ها در زندگی روزمره­مون استفاده نمی­کنیم. قرار شد که به خالق خودمون اعتماد داشته باشیم!
* حالا می­خواهیم درمورد نعمت ویژه خداوند صحبت کنیم. کسی که امروز به مناسبت ولادت او دور هم جمع شده­ایم؛ مهدی علیه السلام. کسی که درموردش گفته­اند: «بِیمنِهِ رُزِقَ الوَرَی»[[6]](#footnote-6) ؛ یعنی ما سِوَی ا... ، تمام موجودات غیر از خداوند، به یُمن وجود امام زمان روزی داده می‌شوند؛ یعنی هر نَفَسی که می‌کشیم، به امام زمان وابسته هستیم؛ هر بازدمی که داریم، به امام زمان وابسته هستیم. خداوند به واسطه­ی ایشان گرفتاری و سختی­ها را از ما دور می­کند و غم ما را می­زداید.[[7]](#footnote-7) وجود ما، هم در بُعد ظاهری و هم در بُعد معنوی و روحی، در تمام لحظات وابسته به اوست.
* امام عصر ارواحنا فداه نه تنها خود نعمتی برزگ برای ما هستند بلکه موجبات نعمات دیگر را نیز برای ما فراهم می­کنند. این نعمت هم از جمله نعمت هاییست که ما شدیداً از آن غافل هستیم.
* حال که فهمیدیم از چه نعمت بزرگی غافل بودیم، بیایید قرار بگذاریم که این آقای بزرگوار را به دیگران هم معرفی کنیم و یا بهتر بگویم به دیگران یادآوری کنیم. خیلی از ماها وقتی به یک موضوع و یا نکته جذابی می­رسیم اون رو حداقل با اطرافیانمون درمیون می­ذاریم و وقتی تجربه­ای می­کنیم که لذت بخشه اون تجربه رو با دیگران تقسیم می­کنیم.
* برای اینکه یه مقدار بیشتر درک کنیم که چه کسی رو داریم به این مثال توجه کنید. تصور کنید که شما از طرف گوگل (یا هر کمپانی بزرگ دیگری) به عنوان نماینده در ایران انتخاب شدین تا بررسی­های لازم برای ورود رسمی گوگل به ایران رو فراهم کنید. آیا دست روی دست می­گذارید تا شما را اخراج کنند یا به دوندگی خود برای پیدا کردن بهترین شهر، محله و یا ساختمان محل تاسیس ادامه می­دهید؟! یا اگر سرمایه هنگفتی داشته باشیم از فردا در جهت حفظ و هم افزایی اون تلاش می­کنیم. اگر دوست خوبی داریم که از با او بودن لذت می­بریم سعی می­کنیم حفظش کنیم و برای تقویت بیشتر این دوستی تعاملمون رو با او بییشتر می­کنیم. وقتی که درک درستی از این نعمت الهی، یعنی امامِ هدایت، داشته باشیم بی­قرار می­شویم! می­دویم تا او رو هرچه بهتر و بیشتر بشناسانیم.
* امام عصر پدرانه منتظر فرزندانش هست و دوست داره تا همشون او رو بهتر بشناسن.
* امام عصر علیه السلام رو اینگونه به ما معرفی کرده­اند که: پدری مهربان، برادری تنی و مادری دلسوز!
* هر کدوم از این ویژگی­ها میتونه من و شما رو قانع کنه که یکبار بریم در خونه­اش و باهاش همکلام بشیم.
* چطوری؟
* فقط کافیه که لب­هامون رو تکون بدیم[[8]](#footnote-8) و باهاش حرف بزنیم. کافیه تجربه­اش کنیم و لذت این تعامل رو بچشیم.
* مثل عبدالرحمن سنّی که این لذت رو نسبت به امام زمان خودش اینگونه تعریف میکنه: من مردی فقیری بودم ولی زبانی گویا و جرأت زیادی داشتم. در یکی از سال‌ها که مردم از حاکم شهر به سطوح آمده‌ بودند، مردم مرا به همراه گروهی از نمایندگان به عنوان دادخواهی به دربار خلیفه عباسی یعنی متوکل فرستادند. وقتی به بغداد رسیدیم، خود را به کنار قصر متوکل رساندم و دریافتم که او امر به احضار آدم مهمی کرده است. مردم اطراف قصر متوکل جمع شده بودند. من از یکی از آنان پرسیدم این مردی که متوکل امر به احضارش داده است کیست؟ گفتند: که این مرد، مردی علوی است که رافضیان به امامت او اعتقاد دارند، احتمالاً متوکل او را احضار کرده تا به قتلش برساند. عبدالرحمن گوید من به او گفتم از اینجا تکان نمی­خورم تا آنکه ببینم این مرد چگونه مردی است. پس از چندی عبدالرحمن ملاحظه کرد که حضرت هادی علیه السلام را سوار بر اسب کرده و می­آورند و مردم نیز در سمت راست و چپ ایشان صف بسته اند. حضرت هادی علیه السلام همانگونه که بر روی اسب نشسته بودند بدون آنکه به راست و چپ نگاه کنند بر یال اسب نگاه می­کردند و مردم نیز در دو صف به نظاره امام مشغول بودند. عبدالرحمن گوید: وقتی چشمم به جمال آن حضرت افتاد مهرش به دلم نشست و در دل از خدا خواستم که شر متوکل را از او دفع نماید. همان طور که حضرت در همان حال جلو می­آمد، من مرتب در دلم، آن بزرگوار را دعا می­کردم. وقتی به محلی رسیدند که من ایستاده بودم، رو به من کرده و فرمودند: خدا دعای تو را در حق من مستجاب کند و به تو نیز طول عمر، مال فراوان و فرزندان زیاد عنایت کند. عبدالرحمن گوید: من لرزیدم و در میان یاران بر زمین افتادم. پس از مدتی به شهرم برگشتم و از آن به بعد خدای تعالی خزانه­های خود را به طرف من باز کرد به حدی ثروتمند شدم که من امروز درِ خانه­ام را بر روی چیزی که یک میلیون درهم ارزش دارد، می­بندم؛ سوای مالی که در خارج خانه دارم. خدای تعالی تاکنون به من ده فرزند داده است و از عمرم هفتاد و اندی سال می گذرد و من امروز قائل به امامت کسی هستم که خدای تعالی دعایش را درباره من مستجاب کرده است.[[9]](#footnote-9)
* بیایبد در انتهای برنامه ما هم مثل عبدالرحمن از خداوند برای امام زمانومون طلب سلامتی کنیم: اللهم کن لولیک...

1. حمتاً برای عملکرد بهتر نرم افزار PowerPoint را بر روی موبایل یا تبلت خود داشته باشید. [↑](#footnote-ref-1)
2. یخ شکن یا ice breaker را زمانی استفاده می­کنند که مخاطبان هنوز نتوانسته­اند ارتباط مناسبی را با مجری برقرار کرده و یا کمی خسته شده­اند. [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره ابراهیم آیه 7 [↑](#footnote-ref-3)
4. میزان الحكمة، باب 1114، حدیث 5077 [↑](#footnote-ref-4)
5. امالی صدوق، ص 278، ح 308 [↑](#footnote-ref-5)
6. زاد المعاد، ص423 [↑](#footnote-ref-6)
7. من لا یحضره الفقیه، ج‏2، ص615 [↑](#footnote-ref-7)
8. بحارالانوار، ج53، ص306  [↑](#footnote-ref-8)
9. بحار الانوار ج 50 ص141-142 [↑](#footnote-ref-9)